

Received:2022/12/20
Accepted:2023/2/27
Vol.22/No.83/Spring2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Investigating the Expressiveness of Mystical Experiences with Regard to Mystical Symbolic Language, Relying on Attar's Poems

Ebrahim Mohammadi, Ahmad Ghanipour Malekshah, Morteza Mohseni, Masud Rohani*

Ph.D. Student, Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar,

Iran. *Corresponding Author, a.ghanipour@umz.ac.ir

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Abstrat

Mystical experiences are a sublime keyword which expresses the originality of the mysticism of mystics in different periods. People who gain experience on the path of mysticism need a language to express those using words to reflect their experiences. It is certainly possible to use words with a secondary use that are active in the field of expression and originality, and with cryptic hints from technical people, the mystical truths obtained by walking the path can be made available to the disciples of the path of mysticism, to create a taste in the heart. In addition, it created excitement in their minds. In many stories, "Attar" has shown the mystical truths that lead to gaining experiences for his followers. Expressing mystical truths and concepts to someone who has traveled the path and reached the level of mysticism is a great task and a duty that he must provide to the seekers and followers of mysticism in any language he can. The problem of the present research is to analyze the reasons for the expressiveness of mystical experiences in order to explain and formulate the issue of language in the representation of mystical experiences. People who have the ability to understand this discourse, in some authorities, have no choice but to express what they have seen and heard. In this article, in a descriptive-analytical way, the place of mystical experiences from the perspective of mystics especially Attar's viewpoint has been criticized.

Keywords: expressible experiences, Symbolic language, mystical experiences, mystical truths, Attar.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۸

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

دوره ۲۲- شماره ۸۳- بهار ۱۴۰۴- حصص: ۱-۲۲

بررسی ارائه تجربیات عرفانی به زبان نمادین با تکیه بر آثار منظوم عطار

^۱ /ابراهیم محمدی

^۲ /احمد غنی پور ملک شاه

^۳ /مرتضی محسنی

^۴ /مسعود روحانی

چکیده

تجربه‌های عرفانی، کلیدواژه‌ای متعالی و بیانگر اصالت عرفان عارفان در دوره‌های مختلف است. افرادی که در مسیر عرفان به تجربیاتی دست پیدامی‌کنند، برای بازتاب تجربیات خود، نیازمند زبانی برای بیان با بهره‌گیری از واژگان می‌باشند. به‌حتم می‌توان از واژگانی با کاربرد ثانویه که در حوزه بیان و بدیع فعالیت دارند، استفاده کرد و با اشارات رمزگونه برای اهل فن، حقایق عرفانی را که با پیمودن مسیر به‌دست آورده، در اختیار مریدان راه عرفان، قرارداد تا بدین وسیله ذوقی در دل و شوقی در ذهن آنان پدیدآورد. "عطار" نیز در بسیاری از داستان‌ها حقایق عرفانی را که منتج به حصول تجربیات می‌شود، برای پیروان خود به نمایش گذاشته‌است. بیان حقایق و مفاهیم عرفانی برای کسی که مسیر را پیموده و به درجه عارفی نایل آمده، امری فائق است و وظیفه‌ای که باید با هر زبانی که می‌تواند، در اختیار سالکان و پیروان عرفان قراردهد. مسئله پژوهش حاضر واکاوی دلایل ارائه تجربه‌های عرفانی برای تبیین و تدوین این موضوع است، که زبان در بازنمایی تجربیات عرفانی، با اهلی که توانایی درک این گفتمان را دارند، در برخی از مقامات، چاره‌ای جز بیان آنچه دیده و شنیده را ندارد. در این نوشتار، به روش توصیفی- تحلیلی، جایگاه تجربه‌های عرفانی از دیدگاه عارفان و بویژه "عطار" نقد و بررسی شده‌است.

کلیدواژه‌ها: تجربیات بیان‌پذیر، زبان نمادین، تجربه‌های عرفانی، حقایق عرفانی، عطار.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول:

a.ghanipour@umz.ac.ir

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۱- پیشگفتار

عرفان به عنوان یک علم الهی، به مطالعه تجربه مستقیم و شخصی از خداوند و جهان معنوی می پردازد و همچنین به دنبال فهم عمیق ترین حقایق وجودی است و تلاش می کند تا در دستیابی به شناخت خداوند و ارتباط نزدیک با او یاری رساند. «عرفان راهی برای وصول به حقیقت، اما با تأکید بر کشف و شهود و با ریاضت و تزکیه نفس است.» (افراسیاب پور، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

در این راستا، عرفان به بررسی مسائلی مانند وحدت، معرفت، عشق، عدم، خواب، رویا و... می پردازد. عرفان در بسیاری از ادیان الهی (آسمانی) و آیینی یک باور تلقی می شود؛ از این رو، در فرهنگ های مختلف دنیا از جمله اسلام، مسیحیت و یهودیت، و باورهای محلی در اقلیم های دیگر، مورد توجه و تمرین بوده است. تنها فرقی که میان عرفان اسلامی ایرانی با سایر ادیان وجود دارد، هسته مرکزی حرکت به نام عشق است. در عرفان ایرانی، نیرویی به نام «عشق» همه هستی سالک را در محفظه قدرت بی چون خود، گرفته است. «در عرفان ایرانی به نقش عشق بیش از همه عوامل اهمیت داده شده است.» (همان).

اشعار شاعران عارف و گفته های عارفان در سلسله نوشته های منظوم و منثور، که به بیان تجربیات خودشان می پردازند، می تواند شاهی بر ارائه تجربه های عرفانی ایشان باشد. در این باره، باید توجه داشت که شعر عرفانی، بیانی است از تجربیاتی که عارفان در مسیر عرفانی خود پشت سر می گذارند و علاوه بر بیان این تجربیات، برای ایجاد ارتباط با خواننده، از سبک و شیوه های شعری و ادبی استفاده می کنند که برای تأثیرگذاری بیشتر، بسیاری از آن ها به صورت سنتی و فرهنگی، به کار گرفته شده اند. «انواع حقایقی که به شیوه های عرفانی قابل بیان و انتقال هستند، خواه حسی یا فراحسی، گوناگونند. برای مثال: دیدن آینده، پی بردن به نیات درونی مردم، درک سریع متون، آگاهی از حوادث و رویدادهای گذشته و آینده، مهم ترین مکاشفات خداشناسی یا ماوراءالطبیعی هستند.» (جیمز، ۱۴۰۰: 454). آنچه عارف با دانایی و هشیاری بیان می کند، مجموعه اندیشه های عرفانی اوست. اما برای بیان تجربه ها، گاهی هشیاری می تواند اهرمی مخالف این اقدام باشد. نمونه تجربیات عارفان پیش از عطار فراوان است. از قبیل: تجربه حسین منصور حلاج - أنا الحق - که در عالم بی هوشی و بی اختیاری بر زبان وی جاری شد. عارفان و شاعران عارف، برای بیان تجربه های عرفانی به ابزاری چون سمبل ها و رموز و ترکیبات پارادوکسی روی می آورند. آن ها با بهره گیری از این شیوه خاص، تجربیاتشان را به

صاحب‌دلان مسیر عرفان ارائه می‌دهند. عطار نیز با استفاده از «نمادها»، اندیشه‌ها و تجربیاتش را برای مخاطبان خود، به‌ثبت رسانده‌است.

این‌گونه زبان، به شکلی مفهومی و مجازی برای بیان احساسات و ایده‌های پیچیده به‌کارگرفته می‌شود. اساطیر و داستان‌های کهن نیز، یکی از امتیازات شعر عرفانی است و عارف مطالب و تجربه‌های عرفانی خویش را با آن‌ها بیان می‌کند.

۱-۱- بیان مسأله

تشخیص حالات و تجربیات عرفانی به عهده شرایط شخصی فرد است، که در آن لحظه چند درصد از روحيات و ویژگی‌های عارفانه وی را به همراه داشته‌باشد. همیشه شاخص‌های عرفانی در ظاهر واژگان و الفاظ نمود ندارد. بلکه از لابه‌لای واژگان و الفاظ می‌توان مفاهیمی را دریافت کرد که بیانگر حالات عرفانی سراینده اثر است. تشخیص آنچه آموختنی است، شباهت‌هایی دارد که در پیشینه این حوزه کاربرد داشته‌است. بنابراین برای دریافت حالات عرفانی عارفان و همچنین تجربیات آن‌ها جز غور در اندیشه و پیمودن مسیر ایشان راهی نیست. ازاین‌رو، برای تشریح حالات و تشخیص تجربیات عرفانی، مراجعه به کتب مورد بحث در این زمینه، امری واجب و راهی صادق است. بسیاری از پژوهشگران بر این نکته که تجربه‌های عرفانی از طریق زبان به بیان در نمی‌آیند، و تجربه عرفانی را شخصی دانسته و از ارائه آن به دیگر افراد غیرممکن می‌دانند، سخن گفته‌اند. اگر این نکته را بپذیریم، که عارف تجربه دیداری و حسی خود را که با مشقّت و رنج‌های طی مراحل رسیدن به معشوق، به دست آورده، توان باز نشر ندارد، برای مریدان چه استدلالی وجود دارد تا مسیر ناشناخته مرشد خویش را بپیمایند؟ عارفان که مرشدی برای سالکان و پیروان خود هستند، چه تجربه‌ای در اختیار شاگردان خود قرار می‌دهند؟ برای اقناع تابعین و اشاعه اندیشه و تجربه خویش، چه مسیری را می‌پیمایند؟ اگر مرشد که همچون آینه‌ای برای مرید است، نتواند تجربه‌های عرفانی خود را در بازتاب دهد، مرشد بودن وی، محلی از اعراب نخواهد داشت.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

الف) مصداق‌های وجود تجربه عرفانی چیست؟

ب) برای انتقال تجربه‌های عرفانی از چه شیوه و روشی بهره گرفته می‌شود؟

پ) عطار تجربیات عرفانی خود را با چه ساختاری بیان کرده‌است؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

مجموعه منابعی که تجربه عرفانی را تشریح کرده‌اند و در مورد بیان‌پذیری یا بیان‌ناپذیری آن نظر داده‌اند عبارتند از:

مقاله «تجربه عرفانی و ملاک حجیت آن» برای اثبات وجود تجربه عرفانی از دیدگاه عارف و مخاطبان دلایلی را مطرح می‌کند. بر این باور است که «تجارب وحیانی و وحی انبیا از دید عارفان، نوعی عالی از تجربه عرفانی و از همان سنخ علوم حضوری خطاناپذیر است. (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۳).

مقاله «تأثیر تلمیحات اسطوره‌ای در بیان تجربه‌های عرفان (براساس منطق الطیر عطار)» نوشته محمد غلامرضایی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی در مثنوی منطق الطیر عطار به این نتیجه رسیده است که عارف برای انتقال پیام یا تجربه خود از زبان تصویر و اسطوره بهره می‌برد. «شاعران به وسیله این تصاویر هنری، میان امور به ظاهر متفاوت، مانند عرفان و تجربیات عرفانی و اسطوره رابطه برقرار می‌کنند.» (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۹).

نویسندگان مقاله «مقایسه چند نمونه از شطحیات در غزلیات عطار و سوانح العشاق غزالی» وجود تجربه عرفانی و انتقال آن را با بهره‌گیری از کلمات شطح‌گونه، رومی دارند. «بخش دوم سخن شیمیل بسیار قابل تأمل است؛ همین مساله بدین معناست که بالاخره زبانی وجود دارد ولو اینکه رمز آلود و شطح‌گونه باشد. کشف معمای این رمز پاسخ پرسش دوم است که از سوی محققان مطرح می‌شود: اگر عارفان تنها راه را خاموشی می‌دانند پس این آثار چیست و زبان به کاررفته در آن‌ها دلالت بر چه چیزی دارد؟» (اسکندری و پاشنا، ۱۴۰۱: ۶۵).

نویسنده مقاله «انتقال‌پذیری تجربه عرفانی»، باور دارد که می‌توان تجربیات عرفانی را در سطح جامعه تعمیم داد. «گروهی از پژوهشگران معاصر، از راه جمع شواهد و قراین، معجزه و تواتر حجیت تجربه‌های عرفانی را به دیگران تعمیم داده‌اند و عمده‌ترین راه انتقال تجربه را تواتر دانسته‌اند.» (امینی، ۱۳۹۰: ۴۹). «انتقال بخشی از آنچه عارف می‌یابد، برای دیگران ممکن است.» (همان، ۵۹).

نویسنده مقاله «بازتاب تجربه‌های دینی - عرفانی در دیوان حافظ (با تکیه بر نظریه سویین برن)» با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، انتقال تجربیات عرفانی را با استفاده از الفاظ امکان‌پذیر می‌داند. «بر مبنای رویکرد سویین برن انتقال تجارب دینی - عرفانی به دیگران امکان‌پذیر است. زیرا این تجربه برای صاحب تجربه، شناخت و بینایی ایجاد می‌کند و او می‌تواند با کمک کلمات و الفاظ حداقل‌های این شناخت را در اختیار مخاطبان قرار دهد.» (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۲۰).

۴-۱- روش تحقیق

بررسی تجربه‌های عرفانی در آثار و اقوال عارفان به صورت پراکنده انجام شده است، اما اینکه این تجربیات با چه روش‌هایی بیان شده و برای شناسایی مخاطب از چه شیوه‌هایی بهره گرفته، نظرات کامل و جامعی که موجب اقناع خواننده آثار عرفانی گردد، بیان نشده یا حداقل به آن پرداخته شده است.

این پژوهش با توجه به موضوع آن، ضمن پرداختن به آثار و اقوال عارفان و به‌ویژه عطار بر آن است تا ساختار بیان تجربه‌های عرفانی موجود در کتب مورد بحث را با توجه به دیدگاه پژوهشگران نیز بیان کند، روش کار کتابخانه‌ای و مبتنی بر سندکاوی، مراجعه به کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی، مآخذ و مراجع مکتوب است.

۲- مبانی نظری

عارفان برای کسب تجربیات عرفانی و حقایق ربّانی، در چهارچوب اندیشه‌های عرفانی حرکت می‌کنند. شاید به‌جرات بتوان گفت که «عشق» متعالی‌ترین عنصر حرکت سالک در عرفان اسلامی است و از این رو، «تمامی ماجرای تفکر و اندیشه عقلی و دریافت‌های شهودی و ذوقی، روی سه مطلب اصلی استوار گشته است. ۱- نور ۲ وجود ۳- عشق» (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱۹). سالکی که در بند عشق گرفتار آمده، از هر وابستگی جز عشق، فارغ شده است. هرکس در مذهب عشق، خانه گزیند، با چشم دل، صاحب تجربیاتی از جنس نور الهی می‌شود. بنابراین «در مذهب عشق با شور و شوق سرشار و با شیفتگی و ذوق باطنی می‌توان به پیچیده‌ترین حقایق ماورای طبیعی دست یافت.» (همان، ۱۳۲). عارف برای رسیدن به درک شهودی و کشف حقایق ملکوتی، عبور از هر قیدوبند منطقی را لازمه این راه می‌داند. رهروان این مسیر، گویی، جانی بی‌تن به سمت «سیمرغ» در پروازاند. حرکت سالکان چه انفسی باشد و چه آفاقی، او را صاحب تجربه می‌کند. عارف، برای رفتن به مقامات والاتر، نیازمند گذر از هر مقام فروتر است و هر مقامی چون میدانی است، که تجربیات مخصوص به‌خود دارد و روندگان این مسیر، با اجرای درست و کامل اندیشه‌ها و قوانین موجود این حوزه، فی‌مابین هر مقامی، در سطح آن جایگاه، صاحب تجربه می‌شوند. و هرگاه عارف «حق مرتبه‌ای را ادا کرد از آن مرتبه، اسرار دیگر مراتب، برایش آشکار می‌شود.» (ابن عربی، ۱۳۹۰: ۴۶۷). غلیان وجدی که در درون عارف است، گاهی اختیار را از دستش می‌گیرد و او با استفاده از الفاظ و اشارات و گاهی بهره‌گیری از زبان هنر، به‌خصوص نماد و استعاره، در لابه‌لای حکایات، داستان‌ها و اشعار، نمایی از تجربیات کسب‌کرده را بیان می‌کند. عارفان، زبان خاص خود را دارد و از آشنایان این زبان، فهم درست دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات عرفانی، انتظار می‌رود. «عارف به حقایق، وقتی صورتی را در حس مشاهده می‌کند و یا کلامی را می‌شنود و یا در قلبش معنایی از معانی واقع می‌گردد، از آن بر مبادیش استدلال کرده و مراد خداوند را از آن می‌فهمد. از این مقام است که گفته می‌شود: آنچه که در عالم پدید می‌آید، تمامیشان رسولانی از جانب حق متعال اند به‌سوی بنده که رسالات پروردگارشان را ابلاغ می‌کنند، آن‌ها را کسی که آن‌ها را می‌داند، می‌شناسد، و آن‌که جاهل به آن‌ها است، از مقصود از آن‌ها روی- می‌گرداند.» (همان، ۵۳۳ - ۵۳۴).

۱-۲- تجربه عرفانی

آنچه عارفان در هر مرحله‌ای از مسیر عرفان، بدان دست می‌یابند. مجموعه مکاشفات و مشاهداتی است که از جانب معشوق بر جان و دل آن‌ها وارد می‌شود، نه به چشم سر، بلکه با چشم دل، زیبایی‌هایی در بارگاه دوست می‌یابند که سبب تحول روحی آن‌ها می‌شود. کشف و شهود عارف و حالت‌هایی از این دست که عارف را در اختیار گرفته، چیزی جز تجربه عرفانی نیست. تجربه عرفانی، معمولاً به صورت یک تحول در زندگی و نگرش به دنیا و خود اتفاق می‌افتد و فرد را به یک زمان - مکان جدید هدایت می‌کند. این نوع تجربه، می‌تواند تأثیرات عمیقی در زندگی فرد داشته و در شکل‌های مختلفی رخ دهد که منجر به تجربه‌های دگرگونی ذهن متعالی - تجربه‌هایی که هرکس توانایی درک آن‌ها را ندارد. - می‌شود. همچنین می‌تواند به فرد کمک کند تا به بالاترین درجات آگاهی و معنویت دست یابد تا بتواند با ذات واقعی خود و با دیگران به صورت عمیق‌تری ارتباط برقرار کند. «تجربه عرفانی به معنای ناخودآگاهی عارف و سالک و رسیدن به ادراکاتی عمیق و نوعی آگاهی بی‌واسطه و وحدت و فنای الهی، ذات و جوهره عرفان است.» (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۹). بیان تجربیات عرفانی، با هر گونه‌ای که عارف توان باز نشر آن را داشته باشد، می‌تواند برای سالکان روزنه‌ای سراسر امید باشد و ذوق و شوق آنان را برای رسیدن به این زیبایی‌ها مضاعف کند. با تمام تفاسیری که در هویدا کردن اسرار عارفان انجام شده، به تعبیر حافظ:

این شرح بی‌نهایت، کز زلف یار گفتند حرفیست از هزاران، کاندر عبارت امد

(حافظ، ۱۳۸۱: ۲۳۰)

تجربه عرفانی اندیشه واحدی است که در بسیاری از مختصاتش با همه ادیان آسمانی و آیینی یکسان است. هر چند روش‌های دستیابی متفاوت اند. «تجربه (های) عرفانی محصول سلوک طرق عرفانی اند؛ صرف نظر از اینکه سالک چه طریقی، مثلاً یهودیت، تصوف یا بودیسم، در پیش می‌گیرد، آنچه او در طول طریق می‌خواند، یاد می‌گیرد، می‌داند، قصد و تجربه می‌کند تا اندازه‌ای تجربه مورد انتظار ظاهر شده را خلق می‌کند.» (کتز، ۱۳۹۹: ۱۰۹). لازمه وجود مرید و مرشد وجود اندیشه و تجربیاتی است، که از مرشد به مرید انتقال می‌یابد. بیان قطره‌ای از چشمه معرفت الهی و سرباز اسرار محبوب، سبب می‌شود تا میل او را مضاعف گردانند. «به شوق آوردن است مر سالک طالب را به اسرار وجود، تا از این سخن آگاهی یافته و بداند که لوازم وجود در هر چه که موجود است، وجود دارد، جز آن که آن‌ها در بعضی وجودشان ظاهر است و در بعضی دیگر باطن و پنهان.» (ابن عربی، ۱۳۹۰: ۸۷۶). در این راستا، انتقال تجربه‌های عرفانی از سوی رونده راه، می‌تواند دلیلی باشد تا سالک، به ادامه مسیر، تمایل مطمئن‌تری از خود نشان دهد. و اگر جز این باشد، برای شناخت مقامات و دستاوردهای آن با توجه به مراتب عرفانی، باید براساس چه آیین‌نامه و شیوه‌ای طی طریق کرد؟ «وجود پیر و مرشد و

استاد و راهنما در مسیر سلوک خود گواه این مطلب است که تجربه‌های عرفانی از پیش مقید و محدود می‌شوند؛ به‌طوری که سالک چیزی را تجربه می‌کند که از قبل استاد و راهنمایش بدو آموخته- است و از این‌رو، انتظار آن تجربه را می‌کشد.» (میرابیان‌تبار، ۱۳۸۷: ۹-۱۰).

محققان بسیاری به وجود تجربه‌های عرفانی، باور داشته و به اینکه تجربه عرفانی وجود دارد، اذعان دارند. برای انتقال مکاشفات عرفانی یا حقایق ربّانی، که به نام تجربه عرفانی شناخته می‌شود، بهترین راهکار، بهره‌گیری از زبان موجود در گفتمان عرفانی است. کاربردی‌ترین زبان، زبان شعر است، که بازنمای بسیاری از اندیشه‌ها و تجربیات است. برعکس آنچه اندکی اعتقاد دارند، عارف در عالم بی‌خودی بسیاری از اسراری را که غرق در آن‌ها شده بدون هیچ واهمه‌ای با زبانی شیواتر و روان‌تر بیان می‌کند. مگر حلاج با افشای تجربه عرفانی خود، سر خویش را بر باد نداد؟ افشای اسرار و یافته‌های عارف در عالم معنا با ابزار زبان به بیان درمی‌آید. چون زبان عارفان، زبان خاصی است، مخاطب آن نیز باید با چندوچون زبان‌شان آشنایی داشته باشد. «برای آن‌ها (عارفان) رموزات و اشاراتی بیان فرموده‌اند که این رموز و اشارات گویای مقام و منزلت معنوی می‌باشد و آنان که روح و اندیشه‌شان در اسارت مال دنیا است از درک الهامات الهی و خلق آثار پرمایه روحانی عاجزند، به همین لحاظ نمی‌توانند آنچه که به قید تحریر درمی‌آورد را بپذیرند.» (حیدرخانی، ۱۳۷۶: ۴۷۸). افراسیاب‌پور در تأکید این باور که شاکله رخ‌نمایی مشهودات عرفانی با زبان رمز و نماد بروزمی‌یابد، چنین می‌نویسد: «با زبان رمز و تمثیل و کنایه در این حکایات مطالب اصلی و عقاید پنهانی را می‌توان ابراز نمود.» (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۰: ۳۶۶). و در ادامه، بهره‌گیری از این نوع بیان را مصون‌ماندن جان و اعتبار گوینده تجربیات عرفانی و حقایق الهی، اعلام می‌دارد. تا «از سرزنش و تهمت متشرعین ظاهری نیز در امان ماند.» (همان، ۳۶۶).

پژوهشگران حوزه عرفان بر این باورند که انتقال تجربه از عارف به عارف امکان دارد. زیرا روندگان راه از زوایای مسیر باخبرند. «بیان و انتقال شهود عرفانی به غیر عارف که خود به‌نحو مستقیم آن را تجربه نکرده است، مشکل است.» (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷). ویلیام جیمز بر تأکید فرضیه فوق می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند این حالات را برای کسی که در زندگی اصلاً دچار چنین احساسی نشده به‌روشنی توصیف نماید و کیفیت و ارزش آن را برایش بازگو کند.» (جیمز، ۱۴۰۰: ۴۲۲). انتقال تجربه‌های عرفانی از سوی عارف- که مسیری را طی کرده و خود آن حالات را تجربه کرده- غیرممکن نیست، اما پذیرش و درک آن حال و تجربه، توسط شنونده در هاله‌ای از ابهام است. چون شنونده به- دلیل ناآشنایی با موضوع و حال بیان‌شده، توانایی درک تمجید عارف را ندارد. اگر شنوندگان اهل راز به حقیقت اسرار و باطن سِر‌ها اشراف داشته باشند، طبیعی است که می‌توانند سخن عارفان دیگر را درک کنند. «حضرت عیسی این اسرار ملکوت را به شاگردان خود زمانی اظهار می‌کرد که با آنان در خلوت به‌سرمی‌برد. زیرا مواضع سِرّی و عرفانی زمانی قابل‌درک همگان می‌شود تا به آداب و تعالیم

باطنی ادیان سرّی تخلّق یابند درست همانگونه که در مراسم آیین‌های سرّی متداول بود.» (فانینگ، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۷).

معرفی مشاهدات عارف که معمولاً با زبان رمز، نماد و گونه‌های استعاره همراه است، روشی برای شناساندن جلوه‌های ارتباط با محبوب است. عارفان مفاهیم متعالی ملکوتی را بر جان کلمات می‌ریزند و زیبایی‌های معشوق را نمایان می‌سازند. هویدا کردن اسرار، گاهی بدون اراده اتفاق می‌افتد. و تاوان هولناکی برای بیان‌کننده آن دارد. «از این رو، حلاج به طرز رقت‌باری به شهادت رسید.» (کتز، ۱۳۹۹: ۱۳۶).

گفت ان یار کزو گشت سر دار بلند جرمش این بود که اسرار هویدامی کرد

(حافظ، ۱۳۸۱: ۱۹۳)

شناساندن معشوق با هر حالتی و به هر گونه‌ای، بیانگر بیان تجربه عرفانی توسط عارف است. حتی به زبان تصویر. «شخص صاحب تجربه، مشهود را یعنی چیزی یا کسی را که بر او متجلی می‌شود، توصیف‌ناپذیر می‌داند بنابراین در توصیف یا معرفی او از تشبیه یا استعاره استفاده می‌کند.» (جمشیدیان، ۱۳۹۵: ۹). «اندیشه توصیف تجربه‌ای این‌قدر ذهنی و درونی مثل هدف عارفان در قالب واژه‌ها تقریباً غیرممکن است. برای همین است که برای توضیح این حوزه از دین، اغلب از تمثیل و استعاره استفاده می‌کنند.» (پل، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

۲-۲- زبان عرفان

انتقال تجربیات عرفانی با زبان معمولی کاری مشکل و پیچیده است. زیرا عارف با زبانی آشنایی یافته و مفاهیمی را تجربه کرده، که برای بسیاری از مردم دیگر، ناآشناست. این موضوع، سبب شده تا انتقال مفاهیم عرفانی را مشکل سازد. «عرفان نیز همانند علوم دیگر دارای زبان برساخته فنی، به وضع تبیینی یا تعینی ویژه‌ای است که نمی‌تواند معنای مورد نظر خود را جز با بهره‌گیری از آن‌ها به دیگران منتقل کند.» (امینی، ۱۳۹۰: ۵۱). در این راستا، بخشی از محتویات مشاهده‌شده عرفانی را انتقال‌پذیر می‌داند. «به تصویر کشیدن انتقال‌پذیری پاره‌ای از یافته‌های شهودی عارفان با روی آورد عقلی است. این عربی بر آن است که آنچه قلب با شهود می‌یابد، عقل منور آن را می‌پذیرد و هرگاه به حال عادی برگردد، می‌تواند آنچه از آن حال در خاطر دارد، گزارش دهد.» (همان، ۵۹).

از آنجاکه عارفان در بعضی حالات، توانایی نگهداری اسرار را ندارند، برای فاش‌نشدن رازهای مگو، از زبان رمز و نماد، بهره‌می‌برند. هنگامی که عبارات از جام جانشان سرریز می‌شود، برای تخلیه درون از این گونه زبان برای مخاطبان، استفاده می‌کنند. «شعر عارفانه هم مجموعه‌ای از واژه‌ها و

نمادهاست. هر پدیده‌ای در جهان می‌تواند دو ساحت و سو در دو طرف بی‌نهایت داشته‌باشد و هر مجازی پل حقیقت شود.» (حمیدیان، ۱۳۹۳: ۳۱).

ابونصر سراج در کتاب *اللمع فی التوفص*، بیان‌پذیری تجربیات عرفانی را با استفاده از واژگانی ناشناخته، از زبان عارفان، امکان‌پذیر می‌داند. «مرید واجد نیز آنگاه که وجد در جانش نیرو می‌گیرد و توان کشیدن آن را ندارد آب معنا را بر زبان می‌ریزد و با سخنانی شگفت و شگرف از یافته‌های درون پرده‌برمی‌دارد. و جمالی را می‌نماید که جز اندکی، توان ادراک آن را ندارند.» (سراج، ۱۳۸۸: ۳۰۴).

۳- بحث و بررسی

بیان حقایق و مفاهیم عرفانی برای کسی که مسیر را پیموده و به درجه عارفی، نایل آمده، امری است فائق و مظنه‌ای بر گردن- برای میل سالک به استواری در مسیر- عارف واصل است تا با هر زبانی که می‌تواند، در اختیار رهروان و پیروان عرفان قرار دهد. خواجه امام در باب معانی و صاحبان معانی حقایق عرفانی قولی دارد: «هرکه از حقیقت چیزی خبر دارد ورا به بیان خبر حاجت بسیار نیاید، رمزی او را بسنده باشد و این ظاهر است میان خلق که هر گروهی از خلق که در صنعتی حذاقت دارند به رموز در آن صنعت سخن‌گویند که دیگران به بیان بسیار آن را فهم نکنند.» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۰۴). در ادامه، دلیل تشریح حالات عارفان را بیان می‌کند: «جواب و سوال گشت و نامه و پیغام گشت معنی این سخن آن است که اهل حقیقت را باطن‌ها بود راست و ظاهرها پاک. چون رغبت خلق در علم حقیقت کم گشت به سخن مشغول‌گشتند چون حقیقت از میان برخاست حال عبارت گشت و سر زبان گشت.» (همان، ۱۰۳ - ۱۰۴). عطار، به کسانی که در حجاب پندار گرفتار آمده‌اند و آئینه دلشان زنگار گرفته‌است، توصیه می‌کند که برای رسیدن نور حقیقت، باید هر مانعی که دلشان را محصور کرده‌است، از میان بردارند:

بگفتم جمله اسرار سَر باز حجاب، آخر، ز پیش خود برانداز

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

عطار در بیت زیر از اینکه اسرار را به‌نمایش گذاشته‌است، خبر می‌دهد و به‌صراحت اعلام می‌کند که حقایق ملکوتی از جانب ما بیان‌گردیده‌است، مهم این است که چه کسی شایستگی درک این رازهای سرزمین لاهوتی را دارد؟ او به‌دنبال هم‌دل هم‌زبان می‌گردد. «پیدا کردن زبان مناسب برای آنچه والاست، یکی از وظایف خاص شاعر است، و اگر ناشاعران از عهده‌اش برنیايند، دلیل نمی‌شود که بیان‌ناپذیر باشد.» (استیس، ۱۴۰۱: ۳۰۰).

زهی اسرار ما! اسرار دان کو؟ یکی بیننده داننده‌جان کو

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۱۶۲)

زبان دل و جان، مقبول‌تر از زبان کام و بیان است. عطار معتقد است، برای ارتباط با مخاطب، زبانی غیر زبان عیان باید داشت. و همچون مردان راستین، «دلی پرتف زبانی چون زبانه» (الهی‌نامه، ۱۳۹۲: ۴۰۱). لازم است. پس با اهل اشارات، با زبان بی‌زبانی باید اسرار حال را بیان داشت. سخن عارفان، چیزی جز اندیشه‌ها و تجربیات عرفانی نیست و اگر عارف نتواند همین تجلیات و مشهوداتش را بیان دارد، پس «کلام عارف چه کارکردی دارد؟» (استیس، ۱۴۰۱: ۳۰۱).

چون زفان را می‌کند این حال، لال از زبان لال باید گفت، حال

(مصیبت‌نامه، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

تصاویر موجود در آثار عطار بیانگر بسیاری از مفاهیم عرفانی است. تصاویر برساخته ذهن عارف، در عین موجز بودن، بسیار مؤثرتر از الفاظ است. «شاعران به وسیله این تصاویر هنری، میان امور به-ظاهر متفاوت، مانند عرفان و تجربیات عرفانی و اسطوره رابطه برقرار می‌کنند.» (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۹).

عطار از جمله شاعران و نویسندگانی است، که خالق ترکیبات نو و بی‌پیشینه است. از ابداعات عرفانی وی، بهره‌گیری از پرندگان به عنوان نماد انسانی در مفاهیم عرفانی است. فهمیدن بار معنایی و مفاهیم پنهان در این گونه واژگان، از عهده کسانی برمی‌آید که آشنایی با شیوه‌های نگارشی این گونه گفتمان را داشته باشند. «عطار با هدف گریز از زبان هنجار و رفتن به سوی زبان شعر و بیان معانی و مفاهیم بلند عرفانی با شیوه‌ای خلاقانه دست به ساختن ترکیباتی صوفیانه در غزلیات خود زده است و از شاعران مبدع و مبتکر و بنیان‌گذار در ساخت ترکیبات تازه صوفیانه به حساب می‌آید.» (صیادکوه و شمس‌الدینی، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

۱-۳- زبان نماد

زبان نماد یا زبان علائم، چرخه‌ای از نمادها و علائمی است، که برای بیان معانی و ارتباط با دیگران استفاده می‌شود. نشانه‌ها؛ نمادها و علائمی هستند که به کار می‌روند تا معانی پنهان را بیان کنند. «نمادپردازی یعنی نمایش چیزی توسط نماد از تداعی معانی و پیوستگی تصورات و تصاویر ذهنی و احساسات نتیجه می‌شود.» (ستاری، ۱۳۷۴: ۱۴). زبان نماد، به عنوان یک زبان شناختی و ارتباطی، می‌تواند بهترین وسیله برای بیان تجربیات عرفانی باشد. در عرفان، تجربیات غیرملموس و ناگفتنی معمولاً به کمک نمادها و علائم بیان می‌شوند مثلاً در شعر عرفانی، علائم و نمادهایی مانند: گل، ماه، آب، نور، آینه و جام می، پیمانه و ... تجربیات و احساسات عرفانی را به صورتی مفهومی و زیبا بیان می‌کنند. «زیباترین و شفاف‌ترین جلوه‌های تجربه عرفانی، در اشعار عرفانی نمود یافته است.» (طاهری و تفسیری، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

شمیسا نماد را ابزاری برای درک هر آنچه در عالم هستی است، می‌داند. «کیمیای عارف از مَهر عالم هستی سخن می‌گوید به این معنی که موجودات و محسوسات، نشانه‌های یک حقیقت آسمانی ازلی هستند که جز از طریق سمبل‌ها قابل درک نیست.» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۱۱۸). از نگاه سهروردی و دیگر عارفان، مفاهیم اسطوره‌ها همچون نمادها می‌تواند فراتر از عالم ماده رفته و متافیزیکی شود. «آن‌ها به رمزهایی تبدیل می‌شوند که دال بر تجارب روحانی و مکاشفه‌های اشراقی هستند.» (همدانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

نماد در اشعار عطار به منظور شفاف‌سازی وضعیت‌ها و تجربیات عرفانی است که معلوم می‌گرداند او در بیان تجربیات عرفانی خود از چه روش‌هایی استفاده کرده‌است. وی هر کدام از مرغان نام‌برده در منطق‌الطیر را نماد دسته‌ای از سالکان برمی‌شمارد و آن‌ها را مورد خطاب قرار داده تا بتواند با آموختن اندیشه‌ها و همچنین بیان تجربیاتش، راه رسیدن به سعادت ابدی را به سالکان نشان دهد. «هریک از این مرغان، نمادی از انسان‌ها هستند.» (آقاحسینی و زراعتی، ۱۳۹۰: ۸). «استفاده از زبان اشاره و نماد و رمز و تمثیل و... روشی است که عرفا در چرخه گفتمانی خود برای انتقال پیام‌های آسمانی مدنظر داشته‌اند.» (زبان رمزی، بنابر محتوای تجربه عرفانی، قالب‌ها و واژگان مورد نیاز از صور خیال، داستان، تمثیل، عبارات متناقض‌نما و سلبی انتخاب می‌گردد تا دربرگیرنده و بیان‌کننده مفهوم ذهنی باشد.) (طاهری و تفسیری، ۱۴۰۰: ۱۳۶). از این رو، شناختن زبان نماد و رمز برای فهم اسرار ماورالطبیعه و تجربیات عرفانی عارفان، لازم می‌نماید. عطار در این ابیات به صراحت به این موضوع پرداخته و اعلام داشته که بیان تجربیات از سوی حلاج، سبب مرگ او شده‌است و دلیل اتفاقات ناگواری که بر سر حلاج آمده را بیان تجربیات عرفانی یا برملا کردن اسرار الهی می‌داند. در بیت بعدی، اعلام می‌دارد که ناآگاهی مردمان غیرعارف، نسبت به مفاهیم عرفانی و ناآشنا بودن به شیوه بیان عارفان، موجب شد که فجایع انسانی برای حلاج و عارفان دیگر در طول تاریخ رخ نماید.

چون شد آن حلاج بر دار آن زمان جز انا الحق می‌نرفتش بر زلفان

چون زلفان او همی‌نشناختند چار دست و پای او انداختند

(منطق‌الطیر، ۱۳۹۸: ۳۳۵)

در آثار عطار، تجربه عشق نیز مورد توجه قرار گرفته‌است. او معتقد است که عشق، پرورش‌دهنده روح و دروازه دستیابی به خداوند است. «عشق و سلوک دو بال جذبند. سالک، عاشق حقیقت و مشتاق دیدار آن است، یعنی جذب حقیقت در دل و جان او هوای سیر و سفر می‌اندازد و او را به حرکت وامی‌دارد.» (آزمایش، ۱۳۸۱: ۹۶). بنابراین، از نگاه عطار، کسی به کمال نهایی دست می‌یابد که عاشق باشد و عشق را همچون نوری می‌داند که از سوی معشوق بر دل عاشق می‌تابد.

اعجاب موجود در سخن عطار به اندازه‌ای پیچیده و شگفت‌انگیز است که دریافت مورد انتظار، از معانی و مفاهیم کلام وی بر همگان دشوار است. زیرا «تجربه‌های شهودی عطار فراتر از این عوالم است.» (جمشیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). در این موضع است که بیان مواجهات عاشق با معشوق رنگ تصویر می‌گیرد و در قالب کنایات رمزی بیان می‌گردد. «مراتب وجودی در قالب تصویرپردازی‌های نباتی نمایانگر اتصال روح به عالم بالا هستند.» (زمردی، ۱۳۸۷: ۱۶).

ساختار نگارش کتب عطار برپایه رمز و نماد است. تجربیات وی در درون داستان‌ها و حکایات گنجانده شده و با بهره‌گیری از واژگان اولیه آشنا و در مفاهیم ثانویه غریب، حقایق عرفانی را بر روی آلف می‌ریزد. صاحب‌دلی باید باشد تا بتواند محتوای عرفانی را از دل واژگان بیرون آورد. «از این رو، واژه‌هایی که بار نمادین داشته و از ابزارهای بیانی چون استعاره، رمز، تمثیل و غیره بهره‌گرفته باشند؛ بهترین شیوه برای بیان حقایق عرفانی خواهند بود چراکه رمزگشایی آن‌ها مستلزم آشنایی با اندیشه‌ها و مفاهیم حوزه عرفان خواهد بود.» (فرزانه‌فرد و دستمرد، ۱۳۹۷: ۲۷۸).

چو نشناسی سر مویی ز اسرار به نادانی چه گردی گرد این کار؟

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۱۶۶)

۲-۳- عطار ارائه‌دهنده تجربه‌های عرفانی

تجربیات عرفانی عطار شامل مفاهیمی مانند: وحدت، عشق، خودشناسی، ادراک وجود خداوند در خود است. این تجربیات، نه تنها در ادبیات عرفانی، بلکه در زندگی عملی عطار نیز به‌خوبی نمایان است. در برخی آثار عرفانی، اتحاد به مفهوم فنای بنده در وجود حضرت پروردگار یا حالتی که موجب اتصال محب به محبوب می‌شود، پذیرفته‌اند. گرچه بعضی این نوع برداشت را گونه مجازی می‌دانند نه حقیقی. «همه اینها ابزاری است برای بیان معانی‌ای که عارف برای رسیدن به تجارب عرفانی و آگاهی بی‌واسطه از حقیقت به آن‌ها نیاز دارد؛ معانی‌ای که بازگوکننده تجربه زیسته عرفانی‌اند مانند گرایش به معنویت و... عطار با بهره‌گیری از ابزارهای هنری تلفیقی تصویرساز، از جمله تلمیح اسطوره‌ای، مضامین و تجارب عرفانی را به عرصه تصویر و هنر برده است.» (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۶۴). «عطار از این طریق بیشتر به مواردی که برای رسیدن به تجارب عرفانی یا گذراندن مراحل آن لازم است، اشاره کرده و نشانه‌هایی از تجربه روحانی و دیدار با امر مقدس را آورده است.» (همان).

عطار بُرندگی و تأثیر زبانش را به الماس تشبیه کرده و زبان را ابزاری برای نمایش معانی والایی می‌داند که از دریای معنا دریافته است. مفاهیم نهفته در کلام او سحرگونه، مخاطب را هدف گرفته و سفره جان را با استفاده از زبان عرفانی به دقیق‌ترین و ریزترین مفاهیم حقیقت بر دایره توجه سالکان می‌ریزد. او کلامش را گوهری می‌داند که از قعر دریای وجودش گاهی با اختیار و گاهی بی‌اختیار بر

زبان‌ش جاری می‌شود. جواهرهایی که از وجود دریاگونه عطار، با ابزار واژگان، بر صفحات کتب او نقش بسته، چیزی جز بیان تجربیات و اسرار با معشوق نیست. پی بردن به معانی‌شان، صاحب‌دلی می‌طلبد تا به کنه پیام‌های نهفته در آن‌ها آشنایی کامل داشته‌باشد.

زهی عطار از بحر معانی به الماس زفان دُر می‌چکانی
به صنعت سحر مطلق می‌نمایم درین شک نیست الحق می‌نمایم
به معنی موی از هم می‌شکافم بین، گر پای داری، دست‌بافم
جواهر بین که از دریای جانم همی ریزد پیایی بر زفانم

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۲۲۷)

خودشناسی از آگاهی، در نوع بیان و اسرار نهفته در کلامش در این ابیات به دلیل همخوانی و هم‌نوایی لفظ و معنی مشهود است. با اطلاع کامل از معنای نهفته در ترکیب سخن، توجه مخاطب را جلب می‌کند و از او می‌خواهد که در لابه‌لای ترکیب سخنان به معنای حقیقت پنهان‌شده بپردازد. حقایق دیدار با معشوق را بر باطن واژگان به‌ظاهر ساده هموار می‌سازد و تجربیاتی را که با محبوب داشته، به‌نمایش می‌گذارد. وی برای به‌اشتراک گذاشتن تجربیات خود، از زبان شعر با بهره‌گیری از واژگان خاص عرفانی با بار معنایی متعالی استفاده می‌کند. او تنها اسرار را در ظاهر واژگان، پیچیده و مخاطب اهل راز را دعوت به دریافتن اسرار و حقایق می‌کند. باوردارد کسانی به کنه مفهوم و پیام نهفته در عبارات پی می‌برند که از غواصان دریای حقایق الهی باشند و آشنا به غوطه‌وری در بحر معانی.

بین این لطف لفظ و کشف اسرار نگه‌کن معنی ترکیب و گفتار
ز شعر خود نمودارش نمودم ز هر دُر و اسرارش نمودم
اگر تو اهل رازی چشم کن باز به غواصی برون گیر از سخن راز

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۲۲۷)

آمادگی بیان اسرار از جانب عطار به‌حدی است که نه از ملامت اغیار هراسی دارد و نه مشتاق تعریف و تمجید آشنایان است، بلکه به دنبال کشف حقیقت و افشای آن برای اهل حق است. بازگفتن حقایق پشت پرده را وظیفه‌ای می‌داند که باید به‌انجام برسد. وی با هر زبانی که توانایی بازنمایی حقایق هستی را داشته‌باشد، حال جانان را برای خوانندگان جان‌جانان، افشامی‌کند.

هر زفانی مختلف، کان در جهانست هم بدانی هم بدان حکمت روانست

گر هنر بخشند و گر عیب دهند بازگویی آنچه از غیبت دهند

گر سخن گویم ز فان او بود هرچه گویم، حال جان او بود

(مصیبت نامه، ۱۳۹۷: ۳۴۰)

عطار در مثنوی منطق الطیر، مجمعی از مرغان را در داستانش تشکیل می‌دهد تا از زبان آن‌ها گوشه‌ای از تجربه‌های عرفانی را با مَحَرمان آشنای با این رازها، با زبان شعر، در میان بگذارد. از آنجاکه کسی را مَحَرم گفته‌های مستقیم خود نمی‌بیند، به ناچار از زبان ادبی برای انتقال حقایق الهی، بهره می‌جوید.

چون ندیدم در جهان محرم کسی هم به شعر خود فروگفتم بسی

گر تو مردِ رازجویی بازجوی جان‌فشان و خون‌گری و رازجوی

(منطق الطیر، ۱۳۹۸: ۴۴۰)

بازیگران نمایشگاه عرفانی عطار یکی پس از دیگری به ایفای نقش می‌پردازند. هریک با توجه به نوع نگاه و به اندازه فهم خویش، خبری از وصف یار و شرحی از لحظه دیدار او می‌دهد تا اینکه، نوبت بازیگری دیگر می‌رسد. او که در جانش غرق جام وجد الهی شده، همچو مستان، بی‌اختیار بر سر آتش معرفت الهی، می‌نشیند. آنچنان در هم گره‌خورند که سایه در سایه گم‌شد و سایه‌ای جز سایه نور معشوق در میان نبود. محتوای حکایاتی از این دست، چه برداشتی جز تجربه عرفانی، به همراه دارد؟

دیگری برخاست می‌شد مست مست پای‌کوبان بر سر آتش نشست

چون گرفت آتش ز سر تا پای او سرخ شد چون اتشی اعضای او

ناقد ایشان چو دید او را ز دور شمع با خود کرده هم رنگش ز نور

گفت این پروانه در کارست و بس کس چه داند، این خبر دارست و بس

انکه شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر از میان جمله او دارد خبر

(همان: ۴۱۶)

در بیت زیر، نمود تجربیات را در «اتحاد» بنده با آفریننده نشان می‌دهد. این نوع بیان برای عموم خاکیان قابل درک نیست. مسئله «وحدت وجود» که عطار در آثار خویش به فراوانی بدان پرداخته، امری خاص و ویژه صاحب‌دلان است. به اتحاد رسیدن جز به کل، از مجموعه باورها و تجربیاتی است که

عارف به سالکان، بیان می‌دارد. وی خورشید را رمز معشوق (خداوند) می‌داند که با رمز سایه (سالک) در مرحله‌ای از مسیر عرفان به یگانگی می‌رسند. «در آثار عرفا خورشید بارها در نماد و رمز وحدت و یگانگی و رساننده کثرات عالم ب کاررفته است.» (آتش سودا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۴). عطار نیز «آفتاب را بیشتر در معانی و رمزهای مقدسی چون حضرت حق، انسان کامل، توصیف انسان و عمر ا، وحدت وجود و فانی شدن در حق و توصیف پیامبران و روح و روان به کار می‌برد.» (همان). با وجود ادغام سایه‌ها در آفتاب، دیگر اثری از «سایه» نمی‌ماند. اینجا «صدهزار سایه در یک خورشید گم شود یعنی کثرت در وحدت مستهلک گردد.» (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۳۸۸).

سایه در خورشید گم بینی مدام خود همه خورشید بینی والسلام

(منطق الطیر، ۱۳۹۸: ۲۸۳)

محو او گشتند آخر بر دوام سایه در خورشید گم شد و السلام

(همان: ۴۲۷)

عارفان به ناچار از مظاهر طبیعت، برای انتقال اهداف عرفانی خود مدد می‌گیرند و آن‌ها را منعکس‌کننده تجارب عرفانی خود قلمداد می‌کنند. گاهی عرفا برای بیان تجربیات خود از زبان اشاره و گاهی از نمادهای حیوانی و گیاهی و... استفاده می‌کنند. معمولاً بخشی از تجربیات عرفانی عرفا با بهره‌گیری از محیط اطراف شکل می‌گیرد. عطار گفتارهایی را از اسرار الهی در لایه‌های حکایات عرفانی درهم پیچیده و برای عارفان راستین، که در پی کشف حقایق هستند، نمودهایی را با بهره‌گیری از واژگان خاصی، ارائه کرده تا سالکان با شناخت اندیشه‌ها به تجربیات عرفانی دست‌یابند. عطار در مثنوی «الهی‌نامه» به سفر روحانی «زن صالحه» پرداخته است. اکثر وقایع ماوراءالطبیعه‌ای که در سفر روحانی زن صالحه روی می‌دهد، چیزی غیر از بیان تجربیات عرفانی نیست و حتی فراتر از آن، می‌توان آن را مواجهات عرفانی او قلمداد کرد. درک اتفاقات پیش‌آمده در جریان حرکت انفسی شخصیت اصلی حکایت، از دایره عقل مادی و جزئی به دور است و فهم این باورهای ملکوتی و اسرار الهی در چرخه عقل قدسی و صاحبان ذوق لاهوتی می‌گنجد.

اهل دل را ذوق و فهمی دیگر است کان ز فهم هر دو عالم بر تراست

هر که را ان فهم در کار افکند خویش در دریای اسرار افکند

(مصیبت‌نامه، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

عطار حقایق ربّانی را به زبان مرغان با اهل ایمان در میان نهاده است. «بسیاری از حکایت‌هایی که در این اثر آمده، برپایه مشاهدات عارفان استوار و بر زندگی اجتماعی مبتنی است.» (عقدایی و خادم، ۱۳۹۴: ۹۱). عطار از روایت حکایت «شیخ صنعان» مخاطب را به نمایشی از خطرات مسیر عرفان آشنا

می‌گرداند و عشق را که هیچ ابایی از هیچ مانعی ندارد، در جامه شیخ می‌گذارد تا بدین وسیله قدرت غیرقابل باور عشق را به رهروان عرفان، معرفی نماید. عشق یک موهبت الهی است که پایه تشکیل هر تجربه عرفانی است. رفتارهای غیرمعمول و غیرمعقولی که برخلاف عقل سلیم است از زبان دیوانگان بیان می‌کند. در جریان این کشمکش عشق‌ورزی، دریافتن معانی و اسرار را به انتخاب مخاطب اشعارش وامی‌گذارد و چنین می‌گوید:

من زفان و نطقِ مرغان سربه‌سر با تو گفتم، فهم کن ای بی‌خبر

جمله را شرح و بیانی دیگر است زان‌که مرغان را زفانی دیگر است

(منطق‌الطیر، ۱۳۹۸: ۴۳۸ - ۴۳۹)

کردی ای عطار بر عالم نثار نافه اسرار هر دم صدهزار

(همان، ۴۳۵)

بین این لطفِ لفظ و کشفِ اسرار نگه کن معنی ترکیب و گفتار

ز شعر خود نمودارش نمودم ز هر در دُرّ اسرارش نمودم

(اسرارنامه، ۱۳۹۷: ۲۲۷)

بهره‌گرفتن فراوان و بسامد بالای واژگان «اسرار» و «راز» در مجموعه مثنوی‌های عطار، بیانگر وجود تجارب عرفانی است که شاعر با استفاده از آن‌ها مکشوفات عالم لاهوتی را در پوسته کلماتی از این دست می‌ریزد تا مخاطب را سر ذوق آورد و با تجربیات عرفانی ملکوتی آشناگرداند. «در حقیقت، کلمات همانند مجرای تنگی هستند که دریای عمیق معانی را از تنگنای خویش عبور می‌دهند. اما شاعر به یاری تنوع و توسعه معنایی کلمات و در نهایت با تصویرسازی به واسطه آن‌ها، می‌تواند به بیان نزدیک‌تری از دنیای درونی شاعر دست یابد.» (حق‌جو و طاهری، ۱۳۹۵: ۵۴).

زبان گویای عطار در بیان تفسیر حقایق، گاهی با اشاره و گاهی با سکوت خود، جهانی پیام از عالم اسرار بر جان سالکان می‌ریزد «و آن‌انکه «فناء فی‌الله» شده‌اند در سکوت خود گویای اسرارند.» (سلطانیه، ۱۳۹۰: ۵۳). و هریک از آنان با توجه به مرتبه خویش، از سخنان عارف، عصاره و چکیده اسرار را بیخته و بر قالب جان خود ریخته تا بدین وسیله قلب او منبع نوری از رازهای نهفته در انوار الهی شود. او، با بیان مشهودات و تشریح مناظر عالم معنا و ارائه این تجربیات همراه با تصویر، مریدان را به وجد می‌آورد. «البته بسیاری از صوفیه، افزون بر ذکر تجربه خود یا دیگران از مکاشفات عرفان، به بررسی ساختاری مسئله مکاشفه و ماهیت آن نیز توجه داشته‌اند.» (پورنامداریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

عطار در مقاماتِ اولیّه عرفانی بسیاری از اسرار را ارائه کرده است و آنگاه که عارف به مرحله «فنا» می‌رسد، دم از خاموشی می‌زند. اینجا مقامِ فناشدن است. «این وادی عین فراموشی و گنگی و کری و بی‌هوشی است چه لازمه فقر و فنا نفی اوصاف و آثار است.» (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۳۸۸).

چه گویم، بیش از این امکان ندارد که جانم بیش از این فرمان ندارد

ورای این تو را اسرار گفتن روا نبود مگر بر دار گفتن

(الهی‌نامه، ۱۳۹۲: ۳۹۶-۳۹۷)

عطار در ابیات فراوانی از مثنوی‌ها و غزلیاتش، به دنبال بهانه‌ای است تا مخاطب گفته‌هایش را با جهان برین عرفانی، آشنا سازد و قطره‌های نوشیده از چشمه‌های زلال ربّانی را با دیگران به اشتراک بگذارد. گاهی با زبان عبارت و گاهی با زبان اشارت و چندی زبان دیوانگان را درکار می‌گیرد و گاهی جریان زندگیِ شوریدگان درگاه را در حکایاتش به نمایش می‌گذارد. هدف وی از بیان همه گزارش‌ها و روایت‌ها، چیزی جز معرفّی اندیشه‌ها و تجربیات عرفانی و مشهوداتِ عالم معنا نیست. اگر بر این شواهد موجود در سخنان عارفان و شاعر عارف، عطار، که دم از کسب تجربه و بیان آن می‌زنند، باور نداشته باشیم، پرسش‌های زیادی در مسیر اندیشگانی پیش می‌آید مانند اینکه «چرا عارف نمی‌تواند منظور خود را به زبان بیاورد؟ اگر نمی‌تواند تجربه‌اش را توصیف کند، پس چگونه با بلاغت و طلاقت هرچه تمام‌تر درباره آن داد سخن می‌دهد؟ اگر کلامش بیانگر احوال و ژرف نگری‌های او نیست، پس واقعاً چه چیزی را بیان می‌کند؟» (استیس، ۱۴۰۱: ۲۹۰).

۴- نتیجه گیری

عرفان، علمی خاص با نگاه فرامکانی است و به یقین می توان باور داشت که ویژگی ها و شاخصه های مخصوص به خود دارد و همین امر سبب پیدایش زبانی ویژه برای ارتباط در جامعه پویندگان عرفان شده است. با بررسی و تحلیل بیان رمزی و نمادین داستان های عطار، با قرائن و دلایل موجود در آن ها، می توان به وجود تجربیات عرفانی و انتقال آن ها در بستر مقامات عرفانی پی برد. در گیرودار این سفر ملکوتی، رونده راه عرفان، شنیده ها و دیده هایش را در خاطر دل می سپارد و در لوح دل مخاطبان می نگارد. زبان، تصویری از دنیای درون آدمیان است. تا زمانی که فردی با بازی های زبان عرفانی عارفان، همراه نشود و قاعده های زبانی ایشان را نداند، توانایی درک سخنان آنان را ندارد. زبان، از هر گونه ای که باشد، منطقی است برای اقناع مخاطب. اما زبان عرفان، هنجارستیز و قانون گریز است. بنابراین، عارفان، ناسازگاری زبانی خود را با به کارگیری روش ها و اصطلاحات خاصی به نمایش می گذارند. از آنجاکه عارفان گاهی قادر به بیان تجربیات به زبان معمول در اجتماع نیستند، برای پیشگیری از گمراهی مخاطبان و جلوگیری از عواقب هولناکی که ممکن است برای خودشان پیش آید، به ناچار از زبان مجاز و نماد بهره می گیرند. یکی از کامل ترین داستان نویسان جهان عرفان، عطار است و مجموعه آثار وی، با نماد و رمز، اسرار را برای مخاطب سخنانش، نگاشته است. او با استفاده از زبان رمز و تصاویر زیبا و هنری، خواننده را به درک بهتر از خداوند و عشق الهی هدایت می کند. بیان تجربه ها از صاحبان تجارب برمی آید. آنچه از دل اهل دل، برمی خیزد، حتماً بر دل اهل دل دیگر می نشیند. در این راستا و در سیر عرفانی، همدلی بر هم زبانی ارجح است. برای استنباط دقیق از نوع کلام عارفان و فهمیدن اشارات پرمعنای ایشان، همچون عاشق و معشوق، یک روح در دو بدن باید بود.

منابع و مآخذ

- ۱- آتش سودا، محمدعلی، روحانی سورهستانی، لیلا، رستمی، سمیرا، (۱۴۰۱)، پژوهش‌نامه مکتب‌های ادبی، دوره ششم، شماره هفدهم، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۰۶ - ۱۳۳.
- ۲- آزمایش، مصطفی، (۱۳۸۱)، هنوز هم خورشید از شرق می‌درخشد، چاپ اول، تهران، حقیقت.
- ۳- آقاحسینی، حسین و سمانه زراعتی، (۱۳۹۰)، «جنبه‌های رمزی و زبان اشارت در داستان ابراهیم(ع) در متون عرفانی تا پایان قرن هفتم هجری»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، س سوم، ش چهارم، زمستان ۱۳۹۰، پیاپی ۱۰، صص ۱ - ۲۰.
- ۴- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۳۹۰)، شرح قیصری بر فصوص‌الحکم ابن عربی، داوود قیصری، ترجمه: محمد خواجه‌وی، چاپ دوم، تهران، مولی.
- ۵- استیس، والتر ت، (۱۴۰۱)، عرفان و فلسفه، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ یازدهم، تهران، سروش.
- ۶- اسکندری، مسعود و زهرا پاشنا، (۱۴۰۱)، «مقایسه چند نمونه از شطحیات در غزلیات عطار و سوانح‌العشاق غزالی»، نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون (قند پارسی سابق)، سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۶، پاییز ۱۴۰۱، صص ۶۲ - ۸۵.
- ۷- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر، (۱۳۸۰)، زیبایی‌پرستی در عرفان اسلامی، چاپ اول، تهران، طهوری.
- ۸- امینی، حسن، (۱۳۹۰)، «انتقال‌پذیری تجربه عرفانی»، معارف عقلی، سال ششم، شماره سوم، صص ۴۷ - ۷۶.
- ۹- پل، اولیور، (۱۳۹۴)، عرفان، ترجمه: مانی صالحی علامه، چاپ اول، تهران، دوستان.
- ۱۰- پورنامداریان، تقی، شهرزاد شه‌دوست و علیرضا حاجیان‌نژاد، (۱۳۹۸)، «درک گام‌به‌گام فرایند ادراک در مکاشفه»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)، سال دوازدهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۷ - ۱۵۴.
- ۱۱- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۴۱)، دیوان کامل جامی، ویراسته: هاشم رضی، تهران، پیروز.
- ۱۲- جمشیدیان، همایون، لیلی نوروز پور و مطهره چوبینه، (۱۳۹۵)، «بررسی مکاشفات عرفانی عطار در غزلیات، براساس نظریه ویلیام جیمز»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، سال ۱۲، شماره ۴۳، صص ۱۱ - ۴۱.
- ۱۳- جمشیدیان، همایون، نوروزپور، لیلا، صدیقی، میثم، (۱۳۹۹)، هستی و مرگ در پرتو تجربه های شهودی عطار، ادبیات عرفانی سال دوازدهم بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲۲، صص (۱۳ - ۱۶۱).

- ۱۴- جیمز، ویلیام، (۱۴۰۰)، *تنوع تجربه دینی*، ترجمه: حسین کیانی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات حکمت.
- ۱۵- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۱)، *دیوان غزلیات*، به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر، ج ۳۲ تهران، صفی‌علیشاه.
- ۱۶- حق‌جو، سیاوش و سحر طاهری، (۱۳۹۶)، «بررسی شیوه تحلیل شبکه‌های هم‌نشینی کلیدواژه‌ها با تکیه بر غزل‌های عطار»، *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، شماره ۹، بهار ۹۶، صص ۵۲ - ۶۶.
- ۱۷- حمیدیان، سعید، (۱۳۹۳)، *سعدی در غزل*، چاپ سوم، تهران، نیلوفر.
- ۱۸- حیدرخانی، حسین، (۱۳۷۶)، *سماع عارفان*، چاپ دوم، تهران، سنایی.
- ۱۹- رحیمیان، سعید، (۱۳۸۱)، «تجربه عرفانی و ملاک حجّیت آن»، *قبسات*، شماره ۲۶، صص ۴۴ - ۵۰.
- ۲۰- زمرّدی، حمیرا، (۱۳۸۷)، *نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی*، چاپ اول، تهران، زوّار.
- ۲۱- ستاری، جلال، (۱۳۷۴)، *اسطوره و رمز (مجموعه مقالات)*، چاپ اول، سروش.
- ۲۲- سراج، ابونصر عبدالله‌ابن‌علی، (۱۳۸۸)، *اللمع فی التصوف*، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، ترجمه: مهدی محبتی، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
- ۲۳- سلطانیه، فروغ، (۱۳۸۹)، «زبان از دیگاه عطار»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۷ - ۶۸.
- ۲۴- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۷)، *مکتب‌های ادبی*، چاپ یازدهم، تهران، قطره.
- ۲۵- صادقی، معصومه، (۱۳۹۷)، «بازتاب تجربه‌های دینی - عرفانی در دیوان حافظ (با تکیه بر نظریه سویین برن)»، *فصلنامه علمی عرفان اسلامی*، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۲۱۶ - ۲۳۰.
- ۲۶- صیادکوه، اکبر و حسین شمس‌الدینی، (۱۴۰۰)، «بررسی هنجارگرایی‌های ساختاری در عناصر زبانی غزلیات عطار نیشابوری؛ براساس نظریه زیانشناختی جفری لیچ»، *فصلنامه فنون ادبی*، سال سیزدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۲۳ - ۱۴۶.
- ۲۷- طاهری، حمید و رمضان تفسیری، (۱۴۰۱)، «بررسی پارادوکس و کارکردهای آن در بیان تجربه وحدت وجود در شعر عهد تیموری»، *نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز*، سال ۷۵، شماره ۲۴۵، بهار و تابستان، صص ۱۲۵ - ۱۴۸.
- ۲۸- عطار، فریدالدین محمد، (۱۳۹۷)، *اسرارنامه*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی-کدکنی، ج ۸، تهران، سخن.
- ۲۹-، (۱۳۹۸)، *منطق الطیر*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی-کدکنی، چاپ هفدهم، تهران، سخن.

- ۳۰-، (۱۳۹۲)، الهی نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ ششم، تهران، سخن.
- ۳۱-، (۱۳۹۷)، مصیبت نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ ششم، تهران، سخن.
- ۳۲- عقدایی، تورج، خادم، هاجر، (۱۳۹۴)، آموزه‌های عرفانی پیران در الهی نامه عطار، عرفان اسلامی، سال ۱۳، بهار ۱۳۹۶، شماره ۵۱، صص ۸۷ - ۱۰۷.
- ۳۳- غلامرضایی، محمد، احمد خاتمی، رقیه صدراپی، تمنا گل بابایی اصل، (۱۳۹۹)، «تأثیر تلمیحات اسطوره‌ای در بیان تجربه‌های عرفانی (بر اساس منطق الطیر عطار)»، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، س ۱۱، ش ۲۲، صص ۳۴۵ - ۳۶۸.
- ۳۴- فانینگ، استیون، (۱۳۸۹)، عارفان مسیحی، ترجمه: فریدالدین رادمهر، چاپ دوم، تهران، نیلوفر.
- ۳۵- فرزانه فرد، سعید و فرزانه دستمرد، (۱۳۹۷)، «بررسی مقایسه‌ای زبان نمادین در آثار عرفانی رساله الطیر ابن سینا و منطق الطیر عطار»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال هجدهم، شماره ۶۹، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۷۸ - ۳۰۰.
- ۳۶- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۵۳)، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی دهخدا.
- ۳۷- کتز، استیون تی، (۱۳۹۹)، زمینه‌مندی تجارب عرفانی، ترجمه: عطا انزلی، چاپ اول، تهران، کتاب طه.
- ۳۸- مرادی، مریم و ابراهیم رحیمی زنگنه، (۱۳۹۹)، «بررسی علل بیان ناپذیری تجربه‌های عرفانی در مثنوی نامه‌های عطار (الهی نامه، منطق الطیر، مصیبت نامه)»، دو فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، س ۱۲، ش ۲۲، صص ۵۹ - ۶۱.
- ۳۹- مستملی بخاری، خواجه امام ابوالبراهیم، (۱۳۶۳)، شرح التعرف لمذهب التصوف، ربع اول، مقدمه، تصحیح و تحشیه: محمد روشن، تهران، اساطیر.
- ۴۰- میرابیان تبار، (۱۳۸۷)، «تجربه عرفانی به مثابه رخداد آگاهی ناب»، فصلنامه عرفان، س ۶، ش ۲۴، صص ۱۳۷ - ۱۵۶.
- ۴۱- همدانی، امید، (۱۳۸۸)، «حماسه، اسطوره و تجربه عرفانی خوانش سهروردی از شاهنامه»، فصلنامه نقد ادبی، سال ۲، شماره ۷، پاییز، صص ۱۳۸ - ۱۶۲.